

کنوز المطالب
فی کشف رموز المکاسب
شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری
(جلد یازدهم)

محمد مهدی اسلامی
استاد حوزه و دانشگاه

۲۱۹۴۶۸۷

انتشارات مناره



سرشناسه: اسلامی، محمد مهدی، ۱۳۴۸
عنوان و نام پدیدآور: کنوزالمطالب فی کشف رموزالمکاسب؛
شرحی نو بر مکاسب شیخ انصاری / محمد مهدی اسلامی
مشخصات نشر: تهران: انتشارات مناره، ۱۳۹۸
شابک دوره: ۹-۶-۹۹۶۱۲-۶۰۰-۹۷۸
شابک: ۱-۱۵-۶۱۰۰-۶۲۲-۹۷۸ (ج ۱۱)
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲
ر. ب. کنگره: ۱۳۹۵ ۷۰۴۲۲۲ م ۸ الف / ۱ / ۱۹۰ BP
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۸۱۲۲۷

عنوان: کنوزالمطالب فی کشف رموزالمکاسب (جلد یازدهم)

مؤلف: محمد مهدی اسلامی

محقق: سید احمد سجادی

ناشر: انتشارات مناره

تاریخ نشر: ۱۳۹۹

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۱-۱۵-۶۱۰۰-۶۲۲-۹۷۸۷-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۹-۶-۹۹۶۱۲-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۵۰۰.۰۰۰ ریال

فهرست

۱۵	پیشگفتار
۲۳	مقدمه
	درس سیصد و هشتاد و یکم
۳۱	استظهار شیخ انصاری از کلام شیخ مفید، خدشه در اجماع
	درس سیصد و هشتاد و دوم
۳۹	عدم کاشفیت اجماع ادعا شده بر عدم لزوم ازین معصوم (ع)
	درس سیصد و هشتاد و سوم
۴۵	بررسی ادله عدم لزوم معاطات
	درس سیصد و هشتاد و چهارم
۵۳	چهار وجه دلالت حدیث «إِنَّمَا يُحْلِلُ الْكَلَامَ وَ يُحَرِّمُ الْكَلَامَ»
	درس سیصد و هشتاد و پنجم
۶۱	نقد وجه اول و دوم حدیث «إِنَّمَا يُحْلِلُ الْكَلَامَ وَ يُحَرِّمُ الْكَلَامَ»
	درس سیصد و هشتاد و ششم
۶۷	ترجیح وجه سوم و چهارم - اثبات عدم اعتبار کلام
	درس سیصد و هشتاد و هفتم
۷۳	اشعار برخی روایات بر اعتبار لفظ در بیع
	درس سیصد و هشتاد و هشتم
۸۱	دو روایت صحیحۀ علاء و صحیحۀ ابن سنان

درس سیصد و هشتاد و نهم

تنبيهات معاطات ۸۹

درس سیصد و نودم

آیا شروط بیع در معاطات شرط هستند؟ - وجوه ثلاثه ۹۵

درس سیصد و نود و یکم

وجه دوم و سوم و وجوه ثلاثه اعتبار شروط بیع در معاطات ۱۰۱

درس سیصد و نود و دوم

وجه رابع، در اندراک، وجوه ثلاثه؛ و نظر مرحوم شیخ ۱۰۷

درس سیصد و نود و سوم

ربا و خیار در معاطات ۱۱۵

درس سیصد و نود و چهارم

تنبيه دوم: آیا إعطاء یک جانبه نیز معاطات است؟ ۱۲۳

درس سیصد و نود و پنجم

معاطات به صرف دادن ثمن - معیار اصل در طار ۱۲۹

درس سیصد و نود و ششم

تنبيه سوم: تمیز بائع از مشتری در معاطات فعلی ۱۳۵

درس سیصد و نود و هفتم

تنبيه چهارم: اقسام معاطات بر حسب قصد طرفین ۱۴۳

درس سیصد و نود و هشتم

وجه سوم و چهارم از وجوه اربعه، بر حسب قصد متعاطیین ۱۵۱

درس سیصد و نود و نهم

ادامه بررسی اشکال در دو وجه سوم و چهارم ۱۵۷

درس چهارصدم

نقد توجیه دوم برای رفع محذور اشکال اول ۱۶۵

درس چهارصد و یکم

حکم استیفاء دین از مال مقروض یا مأذون فيه ۱۷۱

درس چهارصد و دوم

۱۷۷ اقوال فقهاء در عدم صحّت تصرّفات مالکانه با معاطات اباحه‌ای

درس چهارصد و سوم

۱۸۳ نفی مالکیت تقدیری در معاطات اباحه‌ای

درس چهارصد و چهارم

۱۹۱ فرض حصول ملکیت، لحظه‌ای پیش از بیع و عتق واهب

درس چهارصد و پنجم

۱۹۹ ثمره مهر - علان اذن به بیع در معاطات اباحه‌ای و بحث غاصب

درس چهارصد و ششم

۲۰۷ نظری به دیدگاه استثنایه خبیث (ره) در بحث اخیر

درس چهارصد و هفتم

۲۱۳ اشکال دوم، در صحّت اباحه - رای دسرس

درس چهارصد و هشتم

۲۲۱ سیمه اشکال دوم: فروض لزوم، و حکم اباحه در رء اباحه

درس چهارصد و نهم

۲۲۷ تنبیه پنجم: معاطات در غیر بیع

درس چهارصد و دهم

۲۳۵ استظهار شیخ انصاری و اقوال فقهاء در معاطات در غیر بیع

درس چهارصد و یازدهم

۲۴۳ بحث معاطات در وقف

درس چهارصد و دوازدهم

۲۴۹ تنبیه ششم: در ملزومات معاطات، بنا بر ملک یا اباحه

درس چهارصد و سیزدهم

۲۵۷ منع استصحاب جواز، در تلف عَوْضَین - ملزم دوم و سوم

درس چهارصد و چهاردهم

۲۶۳ احتمال حکومت اصل تسلط بر اصل عدم ضمان، و حکم دین

درس چهارصد و پانزدهم

مُلْزِم چهارم: نقل عَوْضَيْنِ یا یکی از آن دو با عقد لازم دیگر ۲۷۱

درس چهارصد و شانزدهم

مُلْزِم پنجم: عقد جایز جدید، سبب لزوم معاطات می شود ۲۷۹

درس چهارصد و هفدهم

مُلْزِم ششم: فروش عین توسط فضولی و اجازه مالک دوم ۲۸۵

درس چهارصد و هجدهم

مُلْزِم هفتم و هشتم: امتزاج یا ثالث، و تصرف مُغْتَرٍ صورت ۲۹۱

درس چهارصد و نوزدهم

آیا جواز رجوع در معاطات، قابل تَرِیْث یا اسقاط است؟ ۲۹۷

درس چهارصد و بیست

تنبيه هفتم: معاطات، پس از ارفاق، منع است یا مُعَاوَضَةٌ مُسْتَقْلَلَةٌ ۳۰۳

درس چهارصد و بیست و یک

بررسی کلام شهید ثانی (ره) با نظر به آراء دیگر: نهاء ۳۱۱

درس چهارصد و بیست و دوم

تنبيه هشتم: آیا عقد غیر جامع شرائط لزوم، معاطات است؟ ۳۱۷

درس چهارصد و بیست و سوم

بررسی اقوال فقهاء در احتمالات ثلاثه - قول دوم ۳۲۵

درس چهارصد و بیست و چهارم

جمع بین دو قول مذکور. توسط صاحب مفتاح الکرامة (ره) ۳۳۱

درس چهارصد و بیست و پنجم

سه اشکال شیخ انصاری (ره) بر صاحب مفتاح الکرامة (ره) ۳۳۷

درس چهارصد و بیست و ششم

صور اربعه عقد فاقد شرائط لزوم، از جهت حکم معاطات ۳۴۳

درس چهارصد و بیست و هفتم

بناء صورت چهارم از صُور اربعه، بر دو امر ۳۴۹

پیشگفتار

چون افتتاح این دفتر، مصادف با فرخنده شب عید سعید غدیر شد چند حدیث شریف علوی (ع) السلام در اهمّیت فقه و احکام مکاسب ذکر می‌شود.

قال علی (ع) السلام: مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ فَقَدْ ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا؛ هرکس بدون آگاهی از فقه، اقدام به کسب و تجارت کند گرفتار ربا می‌گردد.

إِنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنِّي أُرِيدُ التَّجَارَةَ. قَالَ (عليه السلام): أَفْقِهْتَ فِي دِينِ اللَّهِ؟ قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ. قَالَ (عليه السلام): وَيَك! الْفَقْهُ ثُمَّ الْمَتْجَرُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَى وَلَمْ يَسْأَلْ عَنْ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ، ارْتَضَمَ فِي الرِّبَا. ۱؛ مردی نزد امیرالمؤمنین علی (عليه السلام) آمد و عرض کرد: می‌خواهم تجارت پیشه کنم. حضرت فرمودند: آیا احکام فقه دین خدا را دانسته‌ای؟ مرد گفت: (إن شاء الله) بعد از این خواهم آموخت. حضرت فرمودند: وای بر تو! اول فقه، آنگاه تجارت؛ زیرا هرکس بفروشد و بخرد و از مسائل حرام و حلال آن نپرسد، در کام ربا و حرام فرو افتد، و بد فرو افتد! ۲

قال علی (عليه السلام): مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ فِقْهِ تَوَرَّطَ فِي الشُّبُهَاتِ ۳؛ هرکس بدون آگاهی از فقه، تجارت کند در وَرَطَه (گودال گل و لای) شبهه‌ها گرفتار آید.

۱. غُرَرُ الْحِكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلِمِ، عبدالواحد آمیدی، دارالکتاب الإسلامی، ص ۶۱۳ ش ۷۵۱

۲. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۷

۳. مُسْتَدْرَكُ الْوَسَائِل، محدث نوری (ره)، ج ۱۳ ص ۲۴۸

شرح حال مختصری از مصنف کتاب مکاسب، مرحوم شیخ مرتضی انصاری^(۹)

ترجیح دادیم که شرح حال آن بزرگوار را از قلم مرحوم مدرّس تبریزی در ریحانة الأدب نقل کنیم، که مدت ۱۲ سال، زاهدانه و گمنام، در حجره‌ای در جنب مدرسه علمیه مروی، در مدرسه سپهسالار قدیم مشغول تألیف این کتاب و دیگر کتب بود:

«شیخ مُرتَضَی بن محمد امین شوشتری، دزفولی المَوْلِد و المَنْشَأ، نجفی المَسْکِن و المَدْفِن، انصاری القَبیلَة و الشَّهْرَة، افضل علمای راسخین و اکمل فقهای ربّانین، خاتم الفقهاء و المجتهدين... نسب شریفش به جابر بن عبدالله انصاری موصول می‌شود. در سال ۱۲۱۴ ق در شهر دزفول از توابع بوشهر متولد شد، در نزد عموی خود شیخ حسین که از اکابر علمای آن شهر بود، حدود بیست سالگی به تحصیل علم پرداخت، پس در مصاحبت والد صاحب خود به زیارت ائمه عراق^(علیه السلام) رفت.

در کربه ی علی^(ع) زیارت سید مجاهد (سید محمد طباطبائی) صاحب مناهل - که او را سرانجام «علماء مازندرانی، دو رئیس مذهبی وقت بودند - رفت. در مجمع جمعی از فضلا بعضی از مسائل علمیه مطرح و مذاکره شد، که هریک از ایشان موافق بهم بود اظهار عقیده می‌کردند، در خاتمه شیخ مرتضی^(۹) هم اظهار عقیده کرد و بطاری ادای مطلب نمود که مورد شگفتی و حیرت سید مجاهد واقع گردید، پس [سید مجاهد] پدر شیخ را فرمود که: «شما بعد از زیارت، به وطن خودتان برگشته امر را بگذارید که به تحصیلات علمیه بپردازد»، او هم اطاعت نمود.

شیخ، تا چهار سال بعد از مراجعت پدر، حاضر در درس سید مجاهد و شریف العلماء می‌شد، تا آنکه «داود پاشا» والی بغداد، از طرف سلطان روم (عثمانی) به محاصره و تسخیر کربلا مأمور شد و در نتیجه، محصلین و علماء و اکثر مجاورین آن ارض اقدس به بلده کازمین^(علیه السلام) مهاجرت

۱ - از حسن قضاء الهی اینکه: ولادت شیخ انصاری در روز عید غدیر رخ داده است.

کردند، شیخ هم در جمله مهاجرین، چند روزی در آنجا اقامت کرد تا آنکه با جمعی از اهل وطن خود - که به زیارت عتبات آمده و به جهت عدم امکان زیارت کربلا عازم مراجعت بودند - به وطن خود رفته و دو سال اقامت کرد؛ باز برای تکمیل تحصیلات علمیه مراجعت به عراق را تصمیم داد... [پس دوباره] شیخ عازم عراق گردید، یک سال نیز حاضر در درس شریف العلما بود، سپس به نجف رفته و در حوزه فقیه محقق «شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء»^(۹) حاضر شد و به فاصله دو سال باز به وطن خود رفت و بعد از دو سال دیگر عازم زیارت مشهد مقدس رضوی^(علیه السلام) گردید، و در کاشان با صاحب کتاب هیچ که رئیس کل علمی آن سامان بوده ملاقات نمود، سه سال هم در آنجا اقامت کرد و به تصنیف و مباحثه اشتغال ورزید، صاحب مناہج نیز مقدم او را غنیمت شمرد و مباحثات علمی با او را مایل بود و به مراتب فضل وی اعتماد کامل داشت و می گفت که: «در این همه مسافرت های مختلفه، پنجاه تن عالم مجتهد دیده ام که هیچ یک ان ایشان مانند شیخ مرتضی^(۱۰) نمی باشد.»

جریان مرجعیت شیخ انصاری^(۱۱)

شیخ بعد از سه سال، به مشهد مقدس رفت، چند نفر هم در آن ارض اقدس اقامت کرد، باز به وطن خود برگشت. به فاصله پنج سال دیگر، به امر بهای عازم نجف اشرف گردید، اهالی برای ممانعت از عقب وی رفتند ولی اصرارشان سودی نداد، و فیت ما نذر کردن زیارت ائمه عراق^(علیه السلام) اعتذار جست، در سال ۱۲۴۹ق در اوقات ریاست علمی صاحب جواهر (شیخ محمد حسن نجفی) و شیخ علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء (محقق ثالث) وارد عراق شد، چند ماهی در حوزه درس شیخ علی (محقق ثالث) حاضر گردید، بعد از آن دیگر حاضر در هیچ حوزه نشد و بطور استقلال بنای تدریس و تصنیف گذاشت تا آنکه شیخ علی هم وفات یافته و به فاصله چند سالی صاحب جواهر نیز در سال ۱۲۶۶ق بدرود جهان گفت و ریاست مطلقه علمیه مذهبیّه بدون معاون و مشارک بدو منتهی شد و آوازه علم و فضل و زهد

و ورع و تقوی و عبادت او در تمامی بلاد شیعه انتشار یافت و مرجع تقلید تمامی شیعه مذهبان گردید.

صفات و مقام علمی شیخ انصاری^(ره)

در حفظ، سرعت انتقال، استقامت ذهن، حل اشکالات علمیه، شهامت نفس و بلندی همت، وحید عصر خود بود؛ بلکه در قرون و ادوار گذشته نیز کمتر قرینی داشته است. در علم اصول فقه، تأسیسی کرد که در آن رشته مبتکر [بوده] و نظیر آن دیده نشده است...

شدت زهد و تقوای شیخ انصاری^(ره)

اکثر عوالم شرعیه را از اطراف و اکناف تمامی بلاد شیعه بر حضرتش می فرستادند و همه آنها را به فقراء و ارباب ادب و محققان و مصارف دینی می رسانید و خودش مثل یکی از ایشان امرار حیات می نمود، در ضروریات خود، تنها به اندازه یک فقیر مقتصد صرف می کرد، تا جائیکه دو دخترش بعد از وفات او قدرت قیام به لوازم معمولی اقامه عزرا را نداشتند و یکی از اشراف، شش روز و شب، به تمامی وظائف و لوازم مجلس ختم و ترحیم و تعزیه داری او قیام نمود. از بعضی مُعتمدین مسموعم افتاد که: «تمامی متروکات وی معادل هفده تومان پول ایرانی بوده! و همان مقدار هم قرض دار بوده است!» به نظر این نگارنده (مدرس تبریزی) همین قضیه را شیخ حسن مامقانی در صفحه اول حاشیه مکاسب خود نگاشته است...

بعضی از اصحابش، در موضوع اهتمام تمامی به وصال حقوق فقراء [به ایشان] داشته تمجیدش نمودند، در پاسخ فرمود که: «این مطالب وسیله فخری و کرامتی نمی باشد! زیرا وظیفه هر یک از عوام و مردمان بازاری هم این است که امانت را به صاحبش برسانند، اینها هم حقوق فقرا و امانت ایشان است که من به صاحبانش می رسانم»

تالیفات و تصنیفات شیخ انصاری^(ره)

مُصنّعات شیخ مرتضی^(ره) بسیار و در تمامی اقطار عالم در نهایت شهرت هستند، وی دارای تحقیقات رشیکه (زیبا و دقیق) و تدقیقات عمیق بود و مولفانش مورد اعتناء نام اکابر

علمای اسلام و محلّ استفادۀ افاضل فقهای اعلام می‌باشد، که با فهم عبارات و حلّ رموز و دقایق آنها افتخار می‌نمایند، و از آن جمله است (به ترتیب الفبا):

۱. اثبات التسامح فی ادلة السنن ۲. الارث ۳. الاستصحاب ۴. أصالة البرائة ۵. التعادل و الترجیح ۶. التقیة ۷. التیّم الاستدلالی ۸. حجّیت ظنّ ۹. حجّیت قطع ۱۰. الخمس ۱۱. الرضاع ۱۲. الزکوة ۱۳. الصلوة ۱۴. الطهارة ۱۵. المتاجر [أو] المكاسب ۱۶. الموسعة و المضایقة (در وسعت و تنگنای قضاء عبادات، یا ضیق و فوریت آن) و غیر اینها، رساله‌های متفرقه در موضوعات مختلفه دینی و کتاب رجالی هم تألیف کرده که... از وجیزه مجلسی بزرگتر بوده و تقریباً به اندازه خلاصه علمای می‌باشد. استصحاب و أصالة برائة و تعادل و ترجیح و حجّیت قطع و حجّیت ظنّ، بارها در برونه طهران در یک جا چاپ شده و به فرائد الاصول موسوم و به رسائل معروف و از کتابهای بسیار نفیسی می‌باشد.

وفات شیخ انصاری^(ره)

شیخ مرتضی^(ره) شب شنبه شانزدهم یا بیستم جمادی الآخرة ۱۲۸۱ ق در ۶۷ سالگی در نجف وفات یافت و در حجرة طرف راست درب قبله صحن مقدس مرتضوی^(علیه السلام) در جوار شیخ حسین نجفی^(ره) - که در زهد و صلاح و عبادت نظیرش بوده و سید مهدی بحر العلوم^(ره) آرزو می‌کرده که نماز جنازه‌اش را او بخواند - مدفون گردید.

ماده تاریخ ابجدی وفات و ولادت شیخ

عدد [ابجدی] جمله «ظَهَرَ الْفَسَادُ» (= ۱۲۸۱) تاریخ سال وفات اوست و شیخ منصور برادر خود شیخ مرتضی در تاریخ ولادت و وفات او گوید:

«غدیر» (= ۱۲۱۴) سال ولادت و «فراغ» (= ۱۲۸۱) سال وفات اوست.

مدت عمرش شصت و هفت سال بود، و عجیب است که [عدد ابجدی] لفظ «شصت و

هفت» هم معادل رقم ۱۲۸۱ است که سال وفاتش می‌باشد!...»^۱